

شناسایی موانع تحقق پذیری شایستگیهای تربیت اجتماعی دموکراتیک در نظام آموزش و پرورش ایران

پرنیان تقی پور حویزی^۱، دکتر علی اکبر شیخی فینی^{۲*}، دکتر محمود مهرمحمدی^۳، دکتر سید عبدالوهاب سماوی^۴

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، شناسایی موانع تحقق پذیری شایستگیهای تربیت اجتماعی دموکراتیک در نظام آموزشی ایران است. رویکرد به کار رفته در این پژوهش کیفی و روش آن تحلیل مضمون است. مشارکت کنندگان پژوهش، ۱۳ نفر از دکتر - معلمان (معلمان تحصیل کرده و با سابقه) آموزش و پرورش استان هرمزگان بودند که همزمان در دانشگاه فرهنگیان نیز فعالیت داشتند. رویکرد نمونه گیری، هدفمند و روش نمونه گیری صاحب نظران کلیدی بوده است. برای گردآوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. پس از آن با بهره گیری از نرم افزار MAXQDA موانع تحقق پذیری شایستگیها در قالب ۷ مضمون فراگیر، ۱۴ مضمون سازمان دهنده و ۲۹ مضمون پایه تحلیل شده اند. برای اعتباریابی کیفی، روش همگرایی مصاحبه های انجام شده به کار رفته است، یعنی میزان توافق و مطابقت نظرات به دست آمده را دو تن از متخصصان مقایسه کرده اند. نتایج این پژوهش نشان داد که موانع تحقق پذیری شایستگیهای تربیت دموکراتیک عبارت اند از: ساختار و قدرت نظام آموزشی، ضعف در توانمندی معلمان، برنامه درسی و سرفصلها، مقاومت یادگیرندگان نسبت به طرح مسائل مذهبی، نامتناسب بودن متون آموزشی، عملکرد ضعیف معلمان در اجرا، عملکرد ضعیف ناشی از ساختار، محدودیت سواد فناورانه و مشکلات فنی و زیر ساختها. بنابراین با توجه به نتایج پژوهش مذکور، ضرورت دارد که تصمیم گیرندگان، برنامه ریزان و دست اندر کاران نظام آموزشی به ایجاد و تقویت بسترهای جدید برای تدوین و توسعه آموزش شایستگیهای شهروندی اهتمام ورزند.

کلیدواژگان: موانع، شایستگی، تربیت اجتماعی دموکراتیک، آموزش و پرورش ایران

☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۵

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۴

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانش آموخته دوره دکتری برنامه ریزی درسی، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول). Email: finini2013@hormozgan.ac.ir
۳. استاد بازنشسته گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۴. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

مقدمه

اصطلاح شایستگی، مجموعه‌ای از دانش، نگرش و مهارت است (دوشپمستر^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). شایستگی‌های تربیت دموکراتیک، به ترکیبی از دانش، نگرش، مهارت و تفکر شهروندی اشاره دارند (بیستا^۲، ۲۰۱۱). یوریدایس^۳ (۲۰۱۲) تأکید می‌کند که در آموزش شایستگی‌های دموکراتیک، یادگیرندگان باید آگاهی لازم را در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی کسب کنند. از دیدگاه کالینز^۴ و همکاران (۲۰۱۹) تحقق‌پذیری شایستگی‌های دموکراتیک، مستلزم به کارگیری اصول و فرایندهای دموکراتیک در کلاس درس است. بنابراین نظام‌های آموزشی باید به تدوین اهداف برای دستیابی به شایستگی‌های دموکراتیک یادگیرندگان اهتمام ورزند.

با وجود این، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مدارس هدف تربیت دموکراتیک را در اولویت قرار نداده‌اند (واینبرگ و فلیندرز^۵، ۲۰۱۸). سیستم آموزشی آزمون - محور، قوانین و مقررات و فرهنگ سنتی مدارس، تأثیرات منفی بر آموزش شهروندی داشته است (ارسوی^۶، ۲۰۱۴). در همین راستا، شکاری (۱۳۹۱) بیان می‌کند که همچنان طبق روال گذشته در اکثر آموزش‌های کلاسی فرصت‌های کمتری برای تعامل، همفکری، همکاری، بحث و گفت‌وگو میان معلم و شاگرد و شاگردان با یکدیگر فراهم می‌شود. مقوله فهم در آموزش به مقوله حفظ و در نهایت به مقوله تکرار و یادآوری تقلیل یافته و آموزش در مسیر بازتولید منطق سکوت و اطاعت و جامعه آموزشی غیرگفت‌وگویی گام برمی‌دارد. در واقع، ساختار و محیط‌های استبدادی نمی‌توانند یادگیرندگانی دموکراتیک پرورش دهند (کاراکاس^۷، ۲۰۱۷). بنابراین آموزش دموکراتیک، مستلزم ایجاد ساختارها و فرایندهای دموکراتیک است (اپل و بین^۸، ۱۹۹۵).

نظام‌های آموزشی باید در پی ایجاد ساختارهای آموزشی و تدوین و طراحی برنامه‌های درسی در جهت تربیت دموکراتیک و کسب شایستگی‌های شهروندی یادگیرندگان باشند. پژوهش‌هایی گوناگون در زمینه بررسی نقش مفهوم شهروندی در برنامه‌های درسی و تأثیر آموزش شهروندی در پیشرفت تحصیلی صورت گرفته است که به اختصار به آنها پرداخته می‌شود. احمدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «سیر تحول مفهوم شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی» به این نتیجه دست یافتند که سیر صعودی توجه به مفهوم شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی نویدبخش توجه به جایگاه مهم آن در برنامه‌ریزی درسی است. عباسیان و رضاوایی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رفتار شهروندی فردی: میانجی میان خوش‌بینی تحصیلی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

1. De Schaepmeester
2. Biesta
3. Eurydice
4. Collins
5. Weinberg & Flinders
6. Ersoy
7. Karakus
8. Apple & Bean

پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد رفتار شهروندی فردی اثر مستقیم و معناداری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد.

نتایج پژوهشها نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی موجود در مدارس باید اصلاح شوند تا بسترهای جدید برای توسعه آموزش شایستگیهای شهروندی فراهم شود. در واقع برنامه‌ها و کتابهای درسی موجود، ارزشهای دموکراتیک را افزایش نمی‌دهند. بررسی پژوهشها نشان می‌دهد که شایستگیهای تربیت دموکراتیک در نظام آموزش و پرورش ایران تحقق نیافته است. در همین راستا، شمس‌الدینی‌نژاد (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان موفقیت آموزش و پرورش در تربیت شهروندی از دیدگاه معلمان و مدیران مقطع متوسطه شهر کرمان»، نتیجه گرفت که آموزش و پرورش در فرایند تربیت شهروندی دانش‌آموزان در ابعاد مختلف آن موفق نبوده است. نتایج پژوهش یآوری و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان داد که متأسفانه رویکرد تربیت شهروندی غالب در نظام آموزشی متوسطه فعلی رویکردی منفعل بوده است. یافته‌های پژوهشی یوسفی‌نژاد لنگرودی و همکاران (۱۴۰۱) نشان‌دهنده غلبه رویکرد محافظه‌کار تربیت شهروندی در اجرای برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی در بعد تربیت شهروندی است. بوروکراسی شدید، تمرکز نظام آموزش و پرورش و فاصله طبقاتی و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و آموزشی در بین دانش‌آموزان و معلمان و مدیران و نیز سنت غالب روش تدریس سخنرانی، مانع دستیابی به تربیت دموکراتیک است (بلاغت، ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد که یکی از چالشهای آموزش و پرورش، شناسایی موانع تحقق‌پذیری شایستگیهایی است که کلید موفقیت در دستیابی به شایستگیهای تربیت دموکراتیک در قرن بیست‌ویکم‌اند. در بررسی پژوهشهای مربوط به شناسایی موانع دستیابی به شایستگیهای دموکراتیک عواملی شامل فقدان شایستگیها و آموزش و راهنمایی ناکافی معلمان (هارالستاد^۱ و همکاران، ۲۰۲۲)، فقدان رویکردهای آموزشی و برنامه‌درسی شهروندی، کمبود دانش معلمان و عدم آمادگی آنها (گورین^۲ و همکاران، ۲۰۱۳)، عدم آگاهی معلمان از راهبردهای آموزشی (اوسلر^۳، ۲۰۱۱)، سیاستهای مدارس و منطقه آموزشی (پین^۴، ۲۰۱۸)، کمبود زمان لازم برای پوشش دادن به همه موضوعات و مفاهیم شهروندی (کیتینگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۱) و رفتارهای غیردموکراتیک و نامناسب معلمان مانع از دستیابی به اهداف آموزش شهروندی و بروز نگرش و رفتارهای دموکراتیک یادگیرندگان می‌شوند (توسان^۶، ۲۰۲۰). در همین راستا هومن^۷ (۲۰۱۸) تأکید می‌کند که عدم دسترسی به منابع آموزشی و آموزش با کیفیت، آموزش دموکراتیک را مختل می‌کند. در نهایت یادگیرندگان به‌طور مداوم فاقد دانش مدنی لازم برای مشارکت

1. Haraldstad
2. Guérin
3. Osler
4. Payne
5. Keating
6. Tosun
7. Homan

در فرایندهای دموکراتیک هستند (کوهن و چافی^۱، ۲۰۱۲). علاوه بر آن، یکی از موانع دستیابی به آموزش شهروندی دموکراتیک، نادیده گرفتن تنوع فرهنگی و قومی دانش‌آموزان در سطح کلاس و فراتر از آن است (داگ و آبلآ^۲، ۲۰۲۰).

نئولا^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تفکر انتقادی و چالش‌های آموزش برای تربیت شهروند دموکراتیک»، نشان داد چالش اساسی در آموزش شهروندی این است که معلمان به اجرای شیوه‌های سنتی آموزش تمایل دارند و از روش‌های ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی دوری می‌کنند. واینبرگ و فلیندرز (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «یادگیری برای دموکراسی: سیاست و عملکرد آموزش شهروندی»، به این نتیجه دست یافتند که یکی از موانع دستیابی به تربیت دموکراتیک این است که معلمان همچنان درک مشترکی از شهروندی از نظر مفهومی و آموزشی ندارند. هاکالا و کوجالا^۴ (۲۰۲۱) تأکید می‌کنند که امروزه فرایند برنامه‌های درسی کاملاً دموکراتیک نیست. روش‌های آموزشی و برنامه‌های درسی اساساً ضدگفت‌وگو هستند و برای جلوگیری از ارتقای دیدگاه انتقادی یادگیرندگان طراحی شده‌اند. در همین راستا، درویشی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی عوامل مؤثر در تربیت شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان دوره متوسطه» به این نتیجه دست یافتند که آسیب‌های شناسایی شده شامل موانع ناشی از نظام سیاست‌گذاری، گسیختگی و نابسامانی نظام برنامه‌ای، مدیریت ناکارآمد مدارس، مدیریت و جریان غیر اثربخش کلاس درس، فرهنگ ضعیف مدرسه و تسری اصل این‌همانی در مدارس هستند.

بررسی ادبیات و پژوهش‌های خارجی نشان می‌دهد که در زمینه شناسایی موانع دستیابی به شایستگی‌های تربیت دموکراتیک، در سایر کشورها پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است و پژوهشگران چندین دهه پیرامون این موضوع به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند، اما در کشور ما این موضوع تقریباً مغفول واقع شده و صرفاً چند پژوهش انگشت‌شمار به بررسی تربیت شهروندی پرداخته و تلاشی منسجم برای شناسایی آسیب‌ها، چالش‌ها و موانع تربیت دموکراتیک صورت نگرفته است. بنابراین، با توجه به نیاز پایدار نظام آموزشی برای تحقق‌پذیری شایستگی‌های تربیت دموکراتیک، نتایج این پژوهش می‌تواند بسترهایی جدید برای توسعه شایستگی‌های شهروندی فراهم کند. همچنین یافته‌های این پژوهش در هدف‌گذاری و تدوین برنامه‌های آموزش شهروندی از سوی تصمیم‌گیرندگان و برنامه‌ریزان و مسئولان نظام آموزشی، بهبود شرایط یاددهی - یادگیری و ارتقای سطح کیفیت آموزش شهروندی، مؤثر است. علاوه بر این، سایر پژوهشگران نیز می‌توانند از نتایج این پژوهش برای توسعه و کاربرد دانش در این زمینه بهره ببرند.

هدف این پژوهش بررسی و شناسایی موانع تحقق‌پذیری شایستگی‌های تربیت اجتماعی دموکراتیک

1. Cohen & Chaffe

2. Dague & Abela

3. Noula

4. Hakala & Kujala

در نظام آموزش و پرورش ایران بوده است. به این منظور از الگوی شایستگیهای تربیت اجتماعی دموکراتیک که پژوهشگران حاضر (تقی پور حویزی و همکاران، ۱۴۰۲) در مقاله‌ای دیگر به معرفی انواع شایستگیهای لازم برای تحقق تربیت اجتماعی دموکراتیک در نظام آموزش و پرورش ایران پرداخته‌اند، به مثابه ملاک و معیار برای پژوهش استفاده شده است. این الگو شامل هفت مؤلفه شایستگی «خرد عملی و کنش تأملی»، «شایستگی معنوی»، «شایستگی عدالت‌طلبی»، «شایستگی سیاسی»، «شایستگی فناورانه»، «شایستگی فرهنگی» و «شایستگی جهانی اندیشیدن» است.

■ روش پژوهش

رویکرد به کار رفته در این پژوهش، کیفی است و برای شناسایی موانع دستیابی به شایستگیهای تربیت دموکراتیک از روش تحلیل مضمون سبک آتراید-استرلینگ^۱ (۲۰۱۱) استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی است که اطلاعات گسسته و پراکنده را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. شبکه مضامین روشی مناسب در تحلیل مضمون است که برای انسجام دقیق و منظم داده‌های حاصل از یافته‌های مصاحبه، در این پژوهش از آن استفاده شده است. شبکه مضامین، براساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند، سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود (آتراید استرلینگ، ۲۰۱۱).

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، ۱۳ نفر از دکتر-معلمان (معلمان تحصیل کرده و با سابقه) آموزش و پرورش استان هرمزگان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بودند که همزمان در دانشگاه فرهنگیان این استان نیز فعالیت داشتند. در این پژوهش ابتدا برای گردآوری داده‌های غنی از مشارکت‌کنندگان، اطلاعات لازم درباره سوابق حرفه‌ای و تحصیلی و تنوع رشته‌های تحصیلی آنها کسب شد. سپس با مشورت با استادان راهنما و مشاور این افراد با هدفی خاص (شناخت و آگاهی لازم درباره موضوع آموزش شهروندی) انتخاب شدند. نقشه راه مصاحبه، در حقیقت الگوی شایستگیهای تربیت اجتماعی دموکراتیک بود. در واقع هدف پژوهشگر دستیابی به اطلاعات مفید درباره چالشهای آموزش شهروندی بود. از این رو مشارکت‌کنندگان، صرفاً از میان دکتر-معلمانی انتخاب شدند که دانش، اطلاعات و توانایی پاسخگویی را به سؤالات مصاحبه داشتند. بنابراین رویکرد نمونه‌گیری، هدفمند و روش نمونه‌گیری آگاهی‌دهندگان کلیدی بود. در نمونه‌گیری هدفمند، قصد پژوهشگر انتخاب مواردی است که با توجه به هدف پژوهش اطلاعات زیادی داشته باشند. پس از هر مرحله، داده‌های گردآوری شده تحلیل شدند و اشباع نظری تعیین‌کننده کفایت نمونه‌گیری بود. برای سنجش روایی مصاحبه‌ها در این پژوهش،

1. Attride-Stirling

از تکنیک کنترل‌های اعضا استفاده شده است. به این معنا که تحلیل داده‌ها و نتایج به پاسخ‌گویان ارائه شده است تا واکنش آنها در مرحله گزارش نتایج و صحت نتایج حاصل شده، مشخص شود. برای محاسبه اعتباریابی پژوهش حاضر از روش همگرایی مصاحبه‌های انجام شده استفاده شده است. به این معنا که میزان توافق و مطابقت نظرات به دست آمده را دو تن از متخصصان مقایسه کردند. در جدول شماره ۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش (رشته تحصیلی، مدرک تحصیلی، سابقه تدریس، جنسیت) ذکر شده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

ردیف	رشته تحصیلی	مدرک تحصیلی	سابقه تدریس	جنسیت
۱	جامعه‌شناسی فرهنگی	دکتری	۱۸ سال	زن
۲	زبان و ادبیات فارسی	دکتری	۱۹ سال	زن
۳	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	۱۳ سال	مرد
۴	جامعه‌شناسی	دکتری	۱۰ سال	مرد
۵	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	۲۲ سال	مرد
۶	زیست‌شناسی	دکتری	۱۵ سال	مرد
۷	آموزش ریاضی	دکتری	۱۲ سال	زن
۸	زبان و ادبیات فارسی	دکتری	۱۶ سال	مرد
۹	الهیات گرایش علوم، قرآن و حدیث	دکتری	۲۴ سال	مرد
۱۰	زیست‌شناسی	دکتری	۱۵ سال	مرد
۱۱	آموزش ریاضی	دکتری	۸ سال	زن
۱۲	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	۶ سال	مرد
۱۳	الهیات و معارف اسلامی	دکتری	۱۶ سال	مرد

یافته‌های پژوهش

به منظور دستیابی به پاسخ مسئله پژوهش، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. در جدول شماره ۲، تعداد مضامین سازمان‌دهنده و پایه هر یک از مؤلفه‌ها ارائه شده است.

جدول ۲. فراوانی مضامین سازمان‌دهنده و پایه

مضامین فراگیر	تعداد مضامین سازمان‌دهنده	تعداد مضامین پایه
موانع دستیابی به شایستگی خرد عملی و کنش تأملی	۲	۴
موانع دستیابی به شایستگی معنوی	۲	۴
موانع دستیابی به شایستگی عدالت‌طلبی	۲	۴
موانع دستیابی به شایستگی سیاسی	۲	۵
موانع دستیابی به شایستگی فرهنگی	۲	۴
موانع دستیابی به شایستگی فناوریانه	۲	۴
موانع دستیابی به شایستگی جهانی اندیشیدن	۲	۴

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های پژوهش به‌روش تحلیل مضمون، در قالب تعداد مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ارائه شده است (جدول شماره ۲). مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها به این شرح است: ابتدا با تحلیل مصاحبه‌های پژوهش و براساس الگوی شایستگی‌های تربیت دموکراتیک، میزان کفایت داده‌های لازم برای کدگذاری اولیه بررسی شد. در این مرحله ۳۸۲ کد اولیه شناسایی شد. در مرحله بعد، کدهای مرتبط با یکدیگر ادغام شده و مضامین پایه را تشکیل دادند. در این مرحله ۲۹ مضمون پایه استخراج شد. سپس از ترکیب مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده ایجاد شد که در نهایت ۱۴ مضمون سازمان‌دهنده تشکیل شد. در مرحله پایانی، ستون مضامین پایه و سازمان‌دهنده متناسب با ۷ مضمون فراگیر ارائه شده است. در جدول شماره ۳، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر هر یک از مؤلفه‌های شایستگی دموکراتیک ارائه شده است.

جدول ۳. شناسایی موانع دستیابی به شایستگی‌های تربیت دموکراتیک

مضامین پایه		مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
ناکافی بودن دانش در کنش فکورانه	موانع دستیابی به شایستگی خرد عملی و کنش تأملی	ضعف در توانمندی معلمان	موانع تحقق پذیری شایستگی‌های تربیت دموکراتیک
کمبود مهارت در کنش فکورانه			
نامتناسب بودن محتوای دروس		برنامه درسی و سرفصلها	
نامتناسب بودن روشهای تدریس			

موانع تحقق پذیری شایستگی‌های تربیت دموکراتیک

جدول ۳. (ادامه)

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
مقاومت یادگیرندگان نسبت به طرح مسائل مذهبی	موانع و محدودیتها در بعد نظری	موانع دستیابی به شایستگی معنوی
نامتناسب بودن متون آموزشی		
عملکرد ضعیف معلمان در اجرا		
عملکرد ضعیف ناشی از ساختار		
ساختار متمرکز نظام آموزشی	ساختار حاکم بر نظام آموزشی	موانع دستیابی به شایستگی جهانی اندیشیدن
ترویج اندیشه‌های جهانی ایدئولوژیک		
محافظه‌کاری معلمان	ضعف در توانمندی معلمان	
نامتناسب بودن روشهای تدریس		
ضعف معلمان در به‌کارگیری فناوری	ضعف در سواد فناورانه	موانع دستیابی به شایستگی فناورانه
ناکافی بودن سواد فناورانه یادگیرندگان		
هزینه‌های اقتصادی	مشکلات فنی و زیرساختها	
زیرساختها		
ساختار متمرکز نظام آموزشی	ساختار و قدرت نظام آموزشی	موانع دستیابی به شایستگی سیاسی
دخالت نهادهای سیاسی		
ترویج اندیشه‌های ایدئولوژیک		
ضعف در توانمندی در سطح نظر و عمل سیاسی		
نامتناسب بودن محتوای درسی	ضعف در توانمندی معلمان	موانع دستیابی به شایستگی فرهنگی
ضعف در مهارت‌های ارتباطات		
ضعف در دانش ارتباطات		
نامتناسب بودن محتوای دروس		
نامتناسب بودن روشهای تدریس	برنامه درسی و سرفصلها	موانع دستیابی به شایستگی عدالت‌طلبی
محدودیت در ایجاد فرصت عدالت و برابری		
ضعف در رعایت حقوق شهروندی یادگیرندگان		
نامتناسب بودن محتوای دروس		
نامتناسب بودن روشهای تدریس	برنامه درسی و سرفصلها	

براساس تحلیل مصاحبه‌های پژوهش، شبکه مضامین موانع تحقق‌پذیری شایستگیهای تربیت دموکراتیک در نظام آموزشی در شکل شماره ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱. شبکه مضامین موانع تحقق شایستگی‌های تربیت اجتماعی دموکراتیک

شکل شماره ۱ نشان می‌دهد که یافته‌های به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های پژوهش به روش تحلیل مضمون، در قالب شبکه مضامین ترسیم شده‌اند. در واقع، موانع تحقق پذیری شایستگی‌های تربیت اجتماعی دموکراتیک به تفکیک مؤلفه‌های شایستگی‌های دموکراتیک شناسایی شده‌اند. هر یک از این موانع در ادامه مورد بحث قرار گرفته است.

➤ **موانع دستیابی به شایستگی خرد عملی و کنش تأملی:** با توجه به شکل شماره ۱، موانع دستیابی به این مؤلفه شامل ضعف در توانمندی معلمان (ناکافی بودن دانش در کنش فکورانه، کمبود مهارت در کنش فکورانه) و برنامه درسی و سرفصلها (نامتناسب بودن محتوای دروس و نامتناسب بودن روشهای تدریس) است.

➤ **ضعف در توانمندی معلمان:** تحلیل محتوای مصاحبه‌های پژوهش نشان داد که عواملی مانند محدودیت استفاده از کنش فکورانه برای افزایش سطح دانش، مشورت محدود با یادگیرندگان

برای تعیین محتوا و منبع درس، انفعال و ضعف در کنشگری معلمان، ضعف در برقراری ارتباط و عدم تجربه کافی برای مشورت و گفت‌وگو با یادگیرندگان، منجر به عملکرد ضعیف در آموزش کنش فکورانه شده است. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که از دیدگاه معلمان، کنش فکورانه مستلزم انجام دادن فعالیتهای قبل و ضمن تدریس است. آنها بیان داشته‌اند که دشواری درک و اجرای کنش فکورانه سبب شده است تا روشهای تدریس سنتی مانند روش سخنرانی را بر روش مشارکتی ترجیح دهند. همه معلمان تأکید کردند که به دلیل ارجحیت پاسخگویی به انتظارات ساختار آموزشی، تمایل اندکی به استفاده از روش مشورت و مشارکت با یادگیرندگان دارند.

➤ **برنامه درسی و سرفصلها:** طبق نتایج پژوهش، عدم دستیابی به کنش فکورانه، صرفاً مربوط به ضعف توانمندی معلمان نیست. معلمان بیان کردند که یکی از موانع اساسی برای تحقق‌پذیری شایستگی عمل فکورانه، نامتناسب بودن برنامه‌های درسی و سرفصلها می‌باشد. از دیدگاه معلمان، موانعی همچون محدودیت محتوای دروس نظری و عملی در به‌کارگیری روش مشارکتی، اکتفا به سرفصلها و عدم آموزش کنش فکورانه، نامتناسب بودن موضوع درسی با پرورش تخیل و عقلانیت هنری و زمانبر بودن اجرای کنش فکورانه در عدم تحقق‌پذیری آموزش شایستگی فکورانه مؤثرند. نتایج این پژوهش همچنین حاکی از آن است که عدم تطبیق روشهای آموزشی با محتوای تدریس نیز به‌مثابه یک چالش مهم و اساسی مطرح شده است.

➤ **موانع دستیابی به شایستگی معنوی:** با توجه به شکل شماره ۱، موانع دستیابی به شایستگی معنوی شامل موانع و محدودیتها در بعد نظری (مقاومت یادگیرندگان نسبت به طرح مسائل مذهبی، نامتناسب بودن متون آموزشی) و موانع و محدودیتها در بعد عملی (عملکرد ضعیف معلمان در اجرا و عملکرد ضعیف ناشی از ساختار) است.

➤ **موانع و محدودیتها در بعد نظری:** نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مقاومت یادگیرندگان نسبت به طرح مسائل مذهبی در کلاس درس، مانعی برای تحقق‌پذیری آموزش معنوی است. معلمان تأکید می‌کنند که عواملی مانند نگرش منفی یادگیرندگان نسبت به آموزه‌های دینی و معنوی، ضعف باورها و عقاید دینی و مذهبی، ترس و اجتناب از بیان افکار انتقادی دینی، عدم جرأت و شهامت در طرح پرسشهای چالشی مذهبی، اعتراض و واکنش هیجانی یادگیرندگان نسبت به طرح آموزه‌های معنوی و مذهبی از مهم‌ترین موانع آموزش معنوی یادگیرندگان به‌شمار می‌روند. البته تأثیر عواملی مانند زمینه شخصیتی، پیشینه فرهنگی و اجتماعی یادگیرندگان را در شکل‌دهی ضعف باورهای معنوی و عدم پذیرش آموزه‌های معنوی نیز باید در نظر گرفت. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که یکی از موانع تحقق‌پذیری آموزش معنوی، متون آموزشی و نامتناسب بودن محتوای دروس با آموزه‌های معنوی است.

❖ **موانع و محدودیت‌ها در بعد عملی:** طبق نتایج این پژوهش یکی از موانع تحقق‌پذیری آموزش معنوی، عملکرد ضعیف معلمان در اجرا و عملکرد ضعیف ناشی از ساختار است. عملکرد ضعیف معلمان در اجرا به عواملی شامل، عدم آموزش به‌دلیل فرصت محدود کلاس، باور و اعتقاد به‌غیرقابل‌اجرایی بودن آموزش دینی و معنوی، اعتقاد به فقدان ارائه روش و فرمول خاصی برای آموزش معنوی، ضعف شناخت روش‌های آموزش معنوی و عدم تمایل برخی معلمان به گفت‌وگو درباره معنویت، تمایل معلمان به استفاده از روش بحث گروهی صرفاً در مباحث علمی اشاره دارد. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که از دیدگاه معلمان، عملکرد ضعیف ناشی از ساختار به موانعی همچون عدم فرصت نقد ارزش‌های دینی به‌دلیل فضای حاکم بر ساختار نظام آموزشی، تأکید معلمان بر مخاطرات مخالفت با ارزش‌های دینی، به‌کارگیری معلمان ایدئولوژیک و عدم به‌کارگیری معلمان براساس معیار شایستگی اشاره دارد.

❖ **موانع دستیابی به شایستگی جهانی اندیشیدن:** با توجه به شکل شماره ۱ موانع دستیابی به شایستگی جهانی اندیشیدن شامل ساختار حاکم بر نظام آموزشی (ساختار متمرکز نظام آموزشی، ترویج اندیشه‌های جهانی ایدئولوژیک) و موانع ناشی از ضعف در توانمندی معلمان (محافظه‌کاری معلمان، نامتناسب بودن روش‌های تدریس) است.

❖ **ساختار حاکم بر نظام آموزشی:** تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرایط سیاسی حاکم بر نظام آموزشی به‌مثابه مانعی برای طرح اندیشه‌های جهانی است. از دیدگاه معلمان عواملی مانند اجتناب از گفت‌وگو درباره مسائل جهانی به‌دلیل ذهنیت منفی و نگرش تبعیض‌آمیز برخی از معلمان به کشورهای مختلف، تأکید معلمان بر عدم ارتباط با کشورهای دیگر به‌دلیل محدودیت‌های سیاسی کشور، محدودیت و ممنوعیت طرح اندیشه‌های جهانی در تقابل با اهداف نظام آموزشی، تأکید معلمان بر مغایرت معیارهای پیشرفت کشور ما با کشورهای توسعه‌یافته غربی، اجتناب از مبانی ارزشی کشورهای دیگر به‌عنوان معیار توسعه، مانع از تحقق‌پذیری آموزش شایستگی جهانی اندیشیدن است.

❖ **ضعف در توانمندی معلمان:** نتایج این پژوهش نشان داد که محدودیت دانش معلمان و ضعف در به‌کارگیری روش‌های یاددهی-یادگیری مناسب، مانعی برای تحقق‌پذیری آموزش جهانی اندیشیدن است. به‌طور کلی عواملی همچون اجتناب از آموزش جهانی اندیشیدن به‌دلیل نامتناسب بودن موضوع درسی، ضعف در مهارت گفت‌وگو درباره مسائل جهانی، نگرش ضعیف معلمان و عدم علاقه‌مندی به آموزش مسائل جهانی، ضعف در آموزش جهانی اندیشیدن به‌دلیل مغایرت با رشته تحصیلی معلمان، بی‌انگیزگی در آموزش جهانی اندیشیدن و اجتناب از آموزش به‌دلیل محدودیت فرصت کلاس، از موانع اساسی برای طرح اندیشه‌های جهانی است.

❖ **موانع دستیابی به شایستگی فناورانه:** با توجه به شکل شماره ۱، موانع دستیابی به شایستگی فناورانه شامل محدودیت در سواد فناورانه (ضعف معلمان در به کارگیری فناوری، ناکافی بودن سواد فناورانه یادگیرندگان) و مشکلات فنی و زیرساختها (هزینه‌های اقتصادی، زیرساختها) است.

❖ **محدودیت در سواد فناورانه:** نتایج پژوهش نشان داد که عواملی مانند ضعف معلمان در شناخت کاربردهای فناورانه، ضعف مهارتی معلمان در به کارگیری خلاقانه ابزارهای آموزشی، کمبود تجربه و مهارت معلمان در چگونگی تطبیق محتوای دروس با فناوریهای جدید، نگرش منفی معلمان نسبت به نحوه استفاده از امکانات فناورانه و تمایل به استفاده از روشهای یاددهی - یادگیری سنتی و اجتناب از شیوه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری، از مهم‌ترین موانع استفاده از آموزش فناورانه است. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که پایین بودن سطح دانش و سواد فناورانه یادگیرندگان در به کارگیری فناوریها، ضعف مهارت یادگیرندگان در استفاده از ابزارهای فناوری، اکتفا به بارگذاری تکالیف در سامانه، ضعف در تهیه محتوای الکترونیکی و اکتفا به تهیه پاورپوینت، منجر به عملکرد نامناسب فناورانه یادگیرندگان شده است.

❖ **مشکلات فنی و زیرساختها:** تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش نشان داد که عواملی شامل عدم تأمین هزینه اینترنت برای یادگیرندگان، محدودیت دسترسی یادگیرندگان به اینترنت در مدارس، سرعت پایین اینترنت، مشکلات فنی و اختلال در اتصال به اینترنت، قطع ناگهانی سیستم و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن دسترسی به سامانه و استاندارد نبودن تجهیزات و زیرساختهای ارتباطی چالشهای اساسی برای تحقق‌پذیری آموزش شایستگی فناورانه‌اند.

❖ **موانع دستیابی به شایستگی سیاسی:** با توجه به شکل شماره ۱ موانع دستیابی به شایستگی سیاسی شامل ساختار و قدرت نظام آموزشی (ساختار متمرکز نظام آموزشی، دخالت نهادهای سیاسی فعال، ترویج اندیشه‌های ایدئولوژیک) و ضعف در توانمندی معلمان (ضعف توانمندی در سطح نظر و عمل سیاسی، نامتناسب بودن محتوای درسی) است.

❖ **ساختار و قدرت نظام آموزشی:** طبق نتایج این پژوهش عواملی مانند محدودیت آزادی بیان معلمان برای جهت دادن به اندیشه‌های سیاسی، تأثیر فضای سیاسی بسته و محدود حاکم بر نظام آموزشی، ترس از مخاطرات ابراز دیدگاههای سیاسی در کلاس، دخالت نهادهای سیاسی فعال در روشهای آموزش معلمان، نفوذی خواندن معلمان و ایجاد خطر و تهدید آنان از سوی نهادهای سیاسی، در نظر گرفتن ملاحظات شغلی و استخدامی، اجتناب از آموزش به دلیل ترس از دست دادن موقعیت شغلی، محافظه‌کاری معلمان به دلیل شرایط استخدامی، اجتناب از بحث درباره احزاب سیاسی، ایجاد بحث در تأیید گفتمان سیاسی رایج جامعه، تأکید بر پاسخگو بودن یادگیرندگان در برابر قوانین نظام آموزشی، بی‌توجهی به چالشهای ذهنی

یادگیرندگان در مسائل سیاسی، اعتقاد به بی‌فایده بودن آموزش سیاسی و عدم علاقه به طرح موضوعات سیاسی مانع از دستیابی به شایستگی سیاسی است.

❖ **ضعف در توانمندی معلمان:** نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی مانند ضعف تسلط معلمان بر دانش سیاسی، ضعف توانمندی در مدیریت چالش‌های موافقان و مخالفان در بحث‌های سیاسی، ترس از ایجاد تفرقه و بی‌نظمی در کلاس، ممنوع کردن بحث‌های سیاسی در کلاس، اجتناب از آموزش سیاسی به دلیل نامرتب بودن با رشته تحصیلی معلمان، ضعف آموزش به دلیل غیر مرتبط بودن محتوای دروس، ضعف آموزش به دلیل محدود بودن فرصت کلاس و ضعف توانمندی معلمان در ارتباط دادن موضوع درسی با آموزش سیاسی از چالش‌ها و موانع اساسی آموزش سیاسی است. با وجود این، برخی از معلمان بیان می‌کنند که صرفاً در هنگام انتخابات با اشاره کوتاه، کلی و گذرا به آموزش سیاسی می‌پردازند.

❖ **موانع دستیابی به شایستگی فرهنگی:** با توجه به شکل شماره ۱ موانع دستیابی به شایستگی فرهنگی شامل موانع ناشی از ضعف در توانمندی معلمان (ضعف در مهارت‌های ارتباطات، ضعف در دانش ارتباطات) و موانع ناشی از برنامه درسی و سرفصل‌ها (نامتناسب بودن محتوای دروس، نامتناسب بودن روش‌های تدریس) است.

❖ **ضعف در توانمندی معلمان:** مطابق نتایج این پژوهش عواملی مانند ارتباط محدود معلمان و یادگیرندگان با هدف آموزش دانش تخصصی، ضعف مهارتی معلمان در ایجاد روابط عاطفی-اجتماعی با یادگیرندگان، ضعف مهارتی معلمان در گفت‌وگو با یادگیرندگان و کم‌توجهی به نظرات آنها، ضعف انتقادپذیری معلمان در رویارویی با موضوعات فرهنگی و ارتباطی و عدم پذیرش انتقادات و نظرات مخالف یادگیرندگان، ضعف دانش حل مسئله در معلمان برای شناخت نیازهای ارتباطی و فرهنگی یادگیرندگان، منجر به عدم تحقق‌پذیری شایستگی فرهنگی می‌شود.

❖ **برنامه درسی و سرفصل‌ها:** طبق تحلیل نتایج این پژوهش، عواملی شامل عدم آموزش مفاهیم فرهنگی به دلیل نامرتب بودن با محتوای دروس، دقت و وسواس معلمان در رعایت سرفصل‌ها، عدم آشنایی با روش و چگونگی آموزش مسائل فرهنگی، تلاش ناکافی برای ارتقای آگاهی یادگیرندگان درباره مفاهیم فرهنگی، محدودیت زمان کلاس برای آموزش مفاهیم فرهنگی (وطن‌دوستی، چندفرهنگی و...)، آگاهی و شناخت ضعیف معلمان از روش‌های آموزش غیرمستقیم و ضعف مهارت در به کارگیری روشی مؤثر برای آموزش مسائل فرهنگی در عدم تحقق شایستگی فرهنگی مؤثر است.

❖ **موانع دستیابی به شایستگی عدالت‌طلبی:** با توجه به شکل شماره ۱، موانع دستیابی به شایستگی عدالت‌طلبی شامل ضعف در توانمندی معلمان (محدودیت در ایجاد فرصت

عدالت و برابری، ضعف در رعایت حقوق شهروندی یادگیرندگان) و برنامه درسی و سرفصلها (نامتناسب بودن محتوای دروس، نامتناسب بودن روشهای تدریس) است.

❖ **ضعف در توانمندی معلمان:** نتایج این پژوهش نشان داد که یکی از موانع برقراری عدالت در کلاس درس، نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی یادگیرندگان است. از دیدگاه معلمان، برخی از معلمان به‌طور نادانسته و ناخواسته به تضعیف حقوق یادگیرندگان می‌پردازند. عواملی مانند اولویت دادن به حقوق یادگیرندگان فعال در کلاس و کم‌توجهی به حقوق یادگیرندگان منفعل و کم‌توجهی به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان برای اجرای عدالت در ارزیابیها، سبب ضعف در اجرای عدالت آموزشی شده است.

❖ **برنامه درسی و سرفصلها:** طبق نتایج این پژوهش، نادیده گرفتن تفاوت‌های قومی، نژادی و مذهبی یادگیرندگان در محتوای دروس مانعی برای تحقق‌پذیری آموزش عدالت‌طلبی است. همچنین عواملی مانند ضعف معلمان در ارتباط دادن محتوا و موضوع درسی با آموزش عدالت‌طلبی، تمایل اندک برخی از معلمان به مشورت با یادگیرندگان برای انتخاب شیوه ارائه موضوع درسی، ضعف در مشارکت با یادگیرندگان برای تعیین منبع درسی، ضعف دانشی معلمان در پاسخگویی به پرسشهای چالشی درباره موضوع عدالت، محدودیت در ایجاد فضای آزادانه برای طرح پرسشها، اجتناب از ایجاد فرصت برای بیان خطاهای نظری معلمان، اجتناب از ایجاد فرصت برای شنیدن همه صداها و ارائه ایده‌های متنوع یادگیرندگان از موانع عدم دستیابی به آموزش عدالت‌طلبی است.

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

در این مقاله به شرح موانع شایستگیهای تربیت اجتماعی دموکراتیک به تفکیک مؤلفه‌های آن در نظام آموزش و پرورش ایران پرداخته شده است. یافته‌های حاصل از شناسایی موانع دستیابی به شایستگیهای تربیت دموکراتیک در مؤلفه خرد عملی و کنش تأملی با نتایج پژوهش گورین و همکاران (۲۰۱۳)، کیتینگ و همکاران (۲۰۱۱) و اوسلر (۲۰۱۱)، همسوست. نتایج آنها نیز نشان داد که کمبود دانش معلمان و عدم آمادگی آنها در استفاده از روشهای آموزش شایستگیهای دموکراتیک، کمبود زمان لازم برای پوشش دادن به همه موضوعات و عدم آگاهی معلمان از راهبردهای آموزشی مانع از دستیابی به آموزش شهروندی می‌شود. بنابراین دستیابی به شایستگی عمل فکورانه، مستلزم توانمندسازی معلمان در ابعاد دانش و مهارت و تطبیق روشهای آموزشی با محتوای تدریس است. در جمع‌بندی نتایج و مباحث این مؤلفه می‌توان گفت با توجه به موانع شناسایی‌شده در این مؤلفه، شرط لازم و کافی برای تحقق‌پذیری شایستگی کنش فکورانه در تمام ابعاد آن (دانش، نگرش، مهارت) این است که برنامه‌ریزان نظام آموزشی به بازاندیشی در تدوین و طراحی برنامه‌های درسی و سرفصلها

بپردازند. در گام بعدی تلاش معلمان در به کارگیری رویکردهای یاددهی - یادگیری مبتنی بر عمل فکورانه باید در دستور کار قرار بگیرد. یافته‌های حاصل از شناسایی موانع شایستگی معنوی با نتایج پژوهش پین (۲۰۱۸) و هارالستاد و همکاران (۲۰۲۲)، همسوست. نتایج آنها نیز نشان داد که ساختار و سیاستهای مدارس و منطقه آموزشی، فقدان شایستگیها و آموزش و راهنمایی ناکافی معلمان مانع از تحقق پذیری آموزش دموکراتیک می‌شود. لینگلی^۱ (۲۰۱۶) تأکید می‌کند که نادیده گرفتن معنویت در آموزش، نشاط، خلاقیت، امید و مشارکت یادگیرندگان را سرکوب می‌کند. جمع‌بندی نتایج و مباحث در این مؤلفه حاکی از اهمیت انکارناپذیر نظام آموزشی و معلمان در شکل‌دهی به باورهای معنوی یادگیرندگان است. البته جامعه و تحولات فرهنگی و اجتماعی نیز نقشی اساسی در ایجاد و تثبیت باورها و اعتقادات دینی و معنوی یادگیرندگان دارند. ناتوانی در ارائه الگوی صحیح و ضعف در به کارگیری روشهای متناسب برای آموزش معنوی می‌تواند در کمرنگ شدن باورهای دینی و معنوی یادگیرندگان مؤثر باشد. یافته‌های پژوهش حاضر در شناسایی موانع شایستگی جهانی اندیشیدن همسوست با نتایج پژوهش توسان (۲۰۲۰)، مینی بر اینکه رفتارهای غیردموکراتیک و نامناسب معلمان مانع بروز نگرش و رفتارهای دموکراتیک یادگیرندگان می‌شود. نگوین^۲ (۲۰۱۸) تأکید می‌کند که بهبود و توسعه دانش و مهارتهای یادگیرندگان نسبت به رویدادهای ملی و جهانی برای ایجاد جامعه دموکراتیک در آینده لازم و ضروری است. به‌طور کلی در جمع‌بندی نتایج این مؤلفه می‌توان گفت فرایند جهانی شدن و تغییراتی که در جهان اتفاق می‌افتد سبب می‌شود تا نظامهای آموزشی زمینه‌های لازم را برای ارتقای دانش، نگرش و مهارت جهانی اندیشیدن یادگیرندگان ایجاد کنند. بنابراین لازم است که اهداف آموزش و پرورش و برنامه‌های درسی در راستای هدفهای مربوط به پرورش شایستگی جهانی اندیشیدن تدوین شوند. معلمان نیز باید در آماده‌سازی یادگیرندگان برای مشارکت در سطح ملی و جهانی اهتمام ورزند. یافته‌های پژوهشی حاضر در شناسایی موانع شایستگی فناورانه نشان داد که این موانع ناشی از محدودیت در سواد فناورانه و مشکلات فنی و زیرساختهاست. در همین راستا، ایناکسن و ریبائوس^۳ (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که فقدان شایستگی فناورانه معلمان دلیل اصلی برای عدم به کارگیری فناوری در روشهای آموزشی است. بنابراین ارتقای سواد فناورانه معلمان و توسعه زیرساختها باید در دستور کار مسئولان نظام آموزشی قرار گیرد. در جمع‌بندی نتایج و مباحث این مؤلفه می‌توان گفت از آنجایی که توسعه دانش، مهارت و تواناییهای فناوری بخشی مهم از شایستگیهای ضروری برای یادگیرندگان و معلمان در قرن بیست و یکم است، بنابراین باید برای توانمندسازی یادگیرندگان و معلمان در ابعاد دانش، نگرش و مهارت فناورانه، برنامه‌هایی تدارک دیده شود. همچنین برنامه‌ریزان نظام آموزشی باید به تدوین اهداف، راهبردها و شیوه‌های توسعه زیرساختها و تجهیزات فناورانه مدارس بپردازند. یافته‌های حاصل

1. Lingley
2. Nguyen
3. Enochsson & Ribaeus

از شناسایی موانع شایستگی سیاسی همسوست با نتایج پژوهش کاراکاس (۲۰۱۷)، نفولا (۲۰۱۸)، هاکالا و کوچالا (۲۰۲۱) و درویشی و همکاران (۱۳۹۷)، مبنی بر اینکه ساختار و محیط استبدادی، تمایل معلمان به اجرای روشهای سنتی آموزش و نظام سیاستگذاری، مانع از تحقق‌پذیری شایستگی سیاسی می‌شود. در همین راستا، دی و بریس^۱ (۲۰۱۱) معتقدند که کمبود دانش و فقدان رویکردهای آموزشی معلمان مانع از آموزش موضوعات سیاسی و بحث برانگیز است. جمع‌بندی نتایج و مباحث در این مؤلفه نشان می‌دهد که ساختارهای آموزشی در دستیابی به اهداف تربیت دموکراتیک در کلاس درس مؤثرند. از آن‌جا که نتایج پژوهش نشان می‌دهد معلمان نسبت به مفاهیمی مانند سواد سیاسی، دانش سیاسی، مشارکت سیاسی آگاهی لازم را ندارند. بنابراین برای دستیابی به اهداف شایستگی سیاسی باید معلمان آموزش‌دیده در مدارس به کار گرفته شوند تا زمان بیشتری را برای آموزش سیاسی اختصاص دهند. یافته‌های پژوهش حاضر در شناسایی موانع شایستگی عدالت‌طلبی نشان داد که این موانع ناشی از ضعف در توانمندی معلمان و برنامه‌درسی و سرفصل‌هاست. تاسیم^۲ (۲۰۱۳) تأکید می‌کند برای آماده‌سازی یادگیرندگان در جهت ساختن جامعه عادلانه و دموکراتیک، همه فعالیت‌های آموزشی و برنامه‌های درسی باید مبتنی بر ارزشهای دموکراتیک (عدالت، برابری، احترام به حقوق آموزشی) باشد. در جمع‌بندی نتایج این مؤلفه می‌توان گفت اهتمام برنامه‌ریزان آموزشی در طراحی و تدوین محتوای دروس و توانمندسازی معلمان در جهت تحقق‌پذیری عدالت و برابری در آموزش لازم و ضروری است. یافته‌های حاصل از شناسایی موانع شایستگی فرهنگی همسوست با نتایج پژوهش ارسوی (۲۰۱۴) و داگ و آبل^۳ (۲۰۲۰) مبنی بر اینکه قوانین و مقررات و فرهنگ سنتی مدارس، نادیده گرفتن تنوع فرهنگی و قومی دانش‌آموزان در سطح کلاس و فراتر از آن، بر آموزش شهروندی تأثیرات منفی داشته است. نتیجه پژوهش راپانتا^۳ و همکاران (۲۰۲۱) حاکی از آن است که تحقق‌پذیری شایستگی فرهنگی، مستلزم احترام به فرهنگ‌های متنوع یادگیرندگان، تقویت مهارت‌های ارتباطی، مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز است. به‌طور کلی در جمع‌بندی نتایج این مؤلفه می‌توان گفت توانمندسازی معلمان در مهارت‌های ارتباطی و انعطاف نسبت به دیدگاه‌های یادگیرندگان باید در دستور کار برنامه‌ریزان نظام آموزشی قرار گیرد.

در مجموع می‌توان گفت که نتایج پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهد که آموزش و پرورش باید ارزشهای دموکراتیک را تقویت کند. بنابراین رویکردها و سیاست‌های برنامه‌ریزان آموزشی باید در جهت تقویت و ارتقای شایستگی‌های دموکراتیک باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر شناسایی موانع تحقق‌پذیری شایستگی‌های تربیت دموکراتیک، پیشنهاد می‌شود که مسئولان آموزش و پرورش در سیاست‌گذاری‌ها به ویژه سیاست‌های آموزش شهروندی و برنامه‌های درسی بازاندیشی و تجدیدنظر کنند و بررسی فرصت‌ها، امکانات و منابع موجود در جهت اصلاح ساختار نظام آموزشی در دستور کار قرار گیرد.

1. Day & Bryce

2. Tusiime

3. Rapanta

با توجه به نتایج پژوهش حاضر برای تحقق‌پذیری شایستگی‌های تربیت اجتماعی دموکراتیک پیشنهادهایی کاربردی ارائه می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی

۱. اتخاذ سیاست تمرکززدایی در تصمیم‌گیریهای برنامه‌های درسی و اصلاح قوانین، دستورالعملها و بخشنامه‌های آموزشی.
۲. تدوین سیاستهای غنی‌سازی برنامه‌های درسی و متناسب‌سازی محتوای دروس با تربیت دموکراتیک و ایجاد تغییر در سرفصلها و برنامه‌های آموزشی.
۳. طراحی و تدوین محتوای دروس براساس فرهنگ مناطق و معیارهای بومی و محلی استانها.
۴. برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای توانمندسازی معلمان در به‌کارگیری روشهای یاددهی-یادگیری متناسب با اهداف تربیت اجتماعی دموکراتیک.
۵. برگزاری سمینار، کارگاه، همایش و دوره‌های آموزشی برای ارتقای سواد فناورانه و توانمندسازی معلمان و یادگیرندگان در استفاده از ابزارهای فناوری و تقویت دانش، آگاهی و نگرش دموکراتیک آنان.

محدودیت‌های پژوهش

۱. نتایج پژوهشها نشان می‌دهد که هیچ مانع اساسی و غیرقابل‌رفعی در مسیر فرایند دموکراتیک شدن نظام آموزشی وجود ندارد. بااین‌حال، برخی از معلمان معتقد بودند که ساختار آموزشی متمرکز و ایدئولوژیک نظام آموزشی، مانع اساسی برای تحقق‌پذیری شایستگیهای تربیت دموکراتیک است. بنابراین پژوهشگر برای روشننگری درباره فرایند دموکراتیک شدن نظام آموزشی، زمان قابل توجهی را برای جلسات گفت‌وگو اختصاص داد.
۲. به‌دلیل اینکه برخی از معلمان از تحقق یافتن تربیت اجتماعی دموکراتیک در نظام آموزشی ایران دلسرد و ناامید بودند، پژوهشگر در فرایند مصاحبه، زمان قابل توجهی را به بیان اهمیت و ضرورت اجرای تربیت دموکراتیک اختصاص داده است.
۳. پژوهش حاضر نخستین پژوهش به‌منظور شناسایی موانع تحقق‌پذیری تربیت دموکراتیک در نظام آموزشی ایران است. فقدان پژوهشی که بتوان از اقدامات و دستاوردهای آن برای غنی‌تر ساختن فرایند تحقیق بهره برد، سبب شد تا پژوهشگر زمان بیشتری را برای انجام دادن پژوهش اختصاص دهد.

احمدی، پروین؛ نراقی زاده، افسانه و کشاورز دیزجینی، سما. (۱۴۰۱). سیر تحول مفهوم شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۸ (۳)، ۷-۳۶.

Dor: 20.1001.1.10174133.1401.38.3.1.3

بلاغت، سیدرضا. (۱۳۸۹). بررسی نقش تربیت در ترویج دموکراسی و چالش‌ها و فرصت‌های آن در مدارس ابتدایی. رساله دکتری. دانشگاه تربیت معلم تهران.

تقی‌پور حویزی، پرنیان؛ شیخی فینی، علی اکبر؛ مهر محمدی، محمود و سماوی، سید عبدالوهاب. (۱۴۰۲). شناسایی انواع شایستگی‌ها برای تحقق تربیت اجتماعی دموکراتیک در نظام آموزش و پرورش ایران. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، ۱۷ (۷۱)، ۹۹-۱۲۸.

Doi: 10.22034/jcs.2024.161739

درویشی، لیلا؛ جعفری، پروش و سلیمانی، نادر. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی عوامل مؤثر در پرورش شایستگی‌های شهروندی دانش‌آموزان دوره متوسطه. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۴ (۲)، ۷۷-۱۰۴.

شکاری، عباس. (۱۳۹۱). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. *فصلنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۵ (۱)، ۳۱-۳۷.

شمس‌الدینی‌نژاد، سعید. (۱۳۹۱). بررسی میزان موفقیت آموزش و پرورش در تربیت شهروندی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران و دبیران مقطع متوسطه شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

عباسیان، حسین و رضاویسی، مهدیه. (۱۳۹۷). رفتار شهروندی فردی: میانجی میان خوش‌بینی تحصیلی معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۴ (۱)، ۳۵-۵۲.

Dor: 20.1001.1.10174133.1397.34.1.5.5

یاوری، زهرا؛ کشتی‌آرای، نرگس و احمدی، غلامرضا. (۱۳۹۲). تدوین اهداف برنامه درسی در دوره متوسطه با تأکید بر تربیت شهروندی. *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۴ (۱۳)، ۱۴۷-۱۶۶.

یوسفی‌نژاد لنگرودی، زهرا؛ احمدی، پروین و صمدی، پروین. (۱۴۰۱). واکاوی تجارب معلمان از برنامه درسی اجرا شده مطالعات اجتماعی پایه ششم ابتدایی در بعد تربیت شهروندی. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۹ (۴۵)، ۵۹-۸۰.

Apple, M. W., & Beane, J. A. (Eds.). (1995). *Democratic schools*. Alexandria VA: ASCD.

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Journal of Qualitative Research*, 1(3), 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>

Biesta, G. J. (2011). *Learning democracy in school and society: Education, lifelong learning, and the politics of citizenship*. Springer Science & Business Media.

Cohen, A. K., & Chaffee, B. W. (2012). The relationship between adolescents' civic knowledge, civic attitude, and civic behavior and their self-reported future likelihood of voting. *Education, Citizenship and Social Justice*, 8(1), 43-57. <https://doi.org/10.1177/1746197912456339>

Collins, J., Hess, M. E., & Lowery, C. L. (2019). Democratic spaces: How teachers establish and sustain democracy and education in their classrooms. *Democracy and Education*, 27(1), Article 3.

Dague, C. T., & Abela, J. K. (2020). Fostering democratic citizenship through discussion pedagogy. *Kappa Delta Pi Record*, 56(1), 42-46. <https://doi.org/10.1080/00228958.2020.1696096>

Day, S. P., & Bryce, T. G. (2011). Does the discussion of socio-scientific issues require a paradigm shift in science teachers' thinking? *International Journal of Science Education*, 33(12), 1675-1702. <https://doi.org/10.1080/09500693.2010.519804>

De Schaepe-meester, L., Van Braak, J., & Aesaert, K. (2022). Social citizenship competences of primary school students: Does socio-ethnic diversity in the classroom matter? *Globalization, Societies and Education*, 20(3), 365-387. DOI:10.1080/14767724.2021.1889360

- Enochsson, A. B., & Ribaeus, K. (2021). «Everybody has to get a chance to learn”: Democratic aspects of digitalization in preschool. *Early Childhood Education Journal*, 49(6), 1087-1098.
<https://doi.org/10.1007/s10643-020-01117-6>
- Ersay, A. F. (2014). Active and democratic citizenship education and its challenges in social studies classroom. *Eurasian Journal of Educational Research*, 55, 1-20.
<http://dx.doi.org/10.14689/ejer.2014.55.1>
- Eurydice. (2012). *Citizenship education in Europe*. Brussels: Education, Audiovisual and Culture Executive Agency (EACEA P9 Eurydice).
- Guérin, L. J. F., Van der Ploeg, P. A., & Sins, P. H. M. (2013). Citizenship education: The feasibility of a participative approach. *Educational Research*, 55(4), 427-440.
<https://doi.org/10.1080/00131881.2013.844945>
- Hakala, L., & Kujala, T. (2021). A touchstone of Finnish curriculum thought and core curriculum for basic education: Reviewing the current situation and imagining the future. *Prospects*, 51(1-3), 473-487. <https://doi.org/10.1007/s11125-020-09533-7>
- Haraldstad, Å., Tveit, A. D., & Kovač, V. B. (2022). Democracy in schools: Qualitative analysis of pupils' experiences of democracy in the context of the Norwegian school. *Cambridge Journal of Education*, 52(1), 73-89. <https://doi.org/10.1080/0305764X.2021.1935738>
- Homan, M. M. (2018). *Democratic engagement in professional practice: How perceived educator engagement affects student learning* (Doctoral dissertation, Middle Tennessee State University).
- Karakuş, M. (2017). An investigation of students' perceptions about democratic school climate and sense of community in school. *Universal Journal of Educational Research*, 5(5), 787-790.
DOI: 10.13189/ujer.2017.050511
- Keating, A., Benton, T., & Kerr, D. (2011). Tracing the trends and transitions in young people's citizenship practices: What are the implications for researching citizenship and citizenship education? *Educational Research*, 53(2), 223-235. <https://doi.org/10.1080/00131881.2011.572371>
- Lingley, A. (2016). Democratic foundations for spiritually responsive pedagogy. *Democracy and Education*, 24(2), Article 6. Available at: <https://democracyeducationjournal.org/home/vol24/iss2/6>
- Nguyen, B. W. (2018). *Global education: Assets and challenges for global competency in Catholic schools* (Doctoral dissertation, Loyola Marymount University).
- Noula, I. (2018). Critical thinking and challenges for education for democratic citizenship: An ethnographic study in primary schools in Greece. *Educação & Realidade*, 43, 865-886.
<https://doi.org/10.1590/2175-623674799>
- Osler, A. (2011). Education policy, social cohesion and citizenship. In I. Newman, & P. Ratcliffe (Eds.), *Promoting social cohesion* (pp. 184-205). Bristol University Press.
DOI: <https://doi.org/10.46692/9781847426963.010>
- Payne, K. A. (2018). Democratic teachers mentoring novice teachers: Enacting democratic practices and pedagogy in teacher education. *Action in Teacher Education*, 40(2), 133-150.
<https://doi.org/10.1080/01626620.2018.1424052>
- Rapanta, C., Vrikki, M., & Evagorou, M. (2021). Preparing culturally literate citizens through dialogue and argumentation: Rethinking citizenship education. *The Curriculum Journal*, 32(3), 475-494.
<https://doi.org/10.1002/curj.95>
- Tosun, F. C. (2020). Democratic faculty of education for democratic education. *Educational Administration. Theory and Practice*, 26(3), 495-518. <https://doi.org/10.17762/kuey.v26i3.22>
- Tusiime, M. (2013). *Toward democratic education and transformational learning: An examination of students' experiences at Kigali Institute of Education – Rwanda*. (Doctoral dissertation, Northern Illinois University).
- Weinberg, J., & Flinders, M. (2018). Learning for democracy: The politics and practice of citizenship education. *British Educational Research Journal*, 44(4), 573-592.
<https://doi.org/10.1002/berj.3446>

Views of Experts on Reasons for the Absence of Democratic Social Values in Iranian Educational System

P. Taghipoor Hoveyzi¹ © A. A. Sheikhi Fini, Ph.D.^{2*} © M. Mehrmohammadi, Ph.D.³ © S. A. Samaavi, Ph.D.⁴

Abstract

Assuming that democratic social values are absent from the Iranian educational system, views of 13 assumed experts were sought through semi-structured interviews. The interviewees were from among teachers with doctoral degrees and those with extensive work experience in the province of Hormozgan. Theme analyses of the responses resulted in 7 general, 14 organizing, and 29 basic themes. The validity of themes was assessed through cross examination by two experts. The findings show that the main barriers for the inclusion of social democratic values in Iranian educational system, among others, are: the very structure and power hierarchy of the system, teachers' incompetency in this regard, the curricula, and inappropriate textbooks. Hence, it is up to the educational planners and decision makers to prepare the grounds for the inclusion of these values in all aspects of the system.

Keywords: Competency, democratic social training, education in Iran

Date Received: April 3, 2023

Date Accepted: Sept. 27, 2023

This paper is derived from the first author's Doctoral Dissertation.

1. Doctoral Graduate in Curriculum Planning, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.
2. Associate Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. (Corresponding Author).
E-mail: fini2013@hormozgan.ac.ir
3. Retired Professor, Department of Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
4. Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.